



## واکاوی اعتبارسنجی و گونه‌شناسی دلالتی روایات فقه پزشکی

پدیدآورنده (ها) : ابراهیمی، امیرعلی

علوم قرآن و حدیث :: نشریه بلاغ مبین :: بهار و تابستان ۱۳۹۸ - شماره ۵۸ و ۵۹

صفحات : از ۵۵ تا ۸۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1685994>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- نقدی بر مقاله «بکرنامایی از منظر فقه پزشکی»
- قاعده فقهی لاضرر و کاربرد آن در فقه پزشکی
- روش‌شناسی فهم و نقد محتوایی روایات پزشکی از منظر دین‌پژوهان شیعه
- بررسی ادله مشروعیت خرید و فروش اعضای بدن در فقه شیعه
- بکر نامایی از منظر فقه پزشکی
- احادیث طبی (منشا، حجیت و گونه شناسی)
- بررسی و تحلیل سندی احادیث طبی در بحارالانوار براساس مجلد ۵۹
- مبانی اعتبار روایات پزشکی
- گستره مصادیق قاعده لاضرر در فقه پزشکی
- اصل مساوات و اصول الگوی اسلامی نظام توزیع
- قاعده لاضرر و تعارضات فرد و اجتماع در جامعه
- واکاوی اثر سلطنت انسان بر اعضای بدن خود در خرید و فروش عضو

## عناوین مشابه

- اعتبارسنجی و طبقه‌بندی دلالتی روایات رجعت معصومین علیهم السلام بعد از امام زمان عجل الله تعالی فرجهم الشریف
- واکاوی سندی و دلالتی روایات تفویض تشریع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مصادر روایی فریقین
- ارتباط رسوم اصحاب رس با نوروز و واکاوی سندی و دلالتی روایات نوروز
- اعتبارسنجی و طبقه‌بندی دلالتی روایات
- واکاوی پیوند فقه و علم پزشکی
- واکاوی سندی و بررسی دلالتی روایات «حفظ چهل حدیث»
- بررسی صدمات مسری و غیرمسری و تاثیر زمان در سرایت جنابت از منظر فقه، حقوق و پزشکی
- بررسی تطبیقی قاعده «ضرورت» و واکاوی مصادیق پزشکی آن
- «اشتباه مفهوم به مصداق» در تعریف ربا و نقش آن در ارزیابی عملیات بانکی (مطالعه تطبیقی در قرآن، روایات و فقه امامیه)
- واکاوی عقد رهن (از حیث لزوم و جواز) در فقه و قانون مدنی

## واکاوی اعتبارسنجی و گونه‌شناسی دلالی روایات فقه پزشکی

امیرعلی ابراهیمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

نظام‌سازی فقهی و کشف نظام موضوعات و مسائل موردنیاز حیات تمدنی بشر از منظر اسلامی، مهم‌ترین غایت برای دانش فقه در این مقطع زمانی از تاریخ تکون فقه اسلامی می‌باشد. با توجه به آمیختگی ادراکات اعتباری و حقیقی در فقه نظام الصحة، روش‌شناسی کشف فقه نظریات و فقه نظام‌ساز و مؤلفه‌های اصلی آن هم‌چون کلیات و مفاهیم در مقابل تولید نشریه، تأمین حجیت نظامات و نیز برخی اصول و ابعاد نظری حاکم بر نظام و خصوصاً نظام الصحة از منظر فقه اسلامی مورد واکاوی و کنکاش قرار خواهد گرفت.

پرداختن به مسئله‌ی نظام‌سازی در حوزه‌های مختلف زندگی بشر از جمله مقوله سلامت به معنای اعم آن، در زمان ما از جهاتی ضرورت دارد؛ یکی از دلایل ضرورت پرداختن به این موضوع، نیازهای موجود عصر ماست. مکتبی در عرصه‌ی علم و اجرا موفق خواهد بود که اقدام به نظام‌سازی نماید، تا بدین طریق در برابر پیش‌آمدهای مختلف راه‌حل داشته باشد و غافل‌گیر نشود.

همان‌گونه که مورد تأکید اندیشمندان و فقهای شیعه نیز بوده؛ آنگاه که بحث از احادیث طبی به حوزه‌ی فهم و فقه الحدیث کشیده می‌شود، بیش از هر زمان دیگر می‌توان درک نمود که دانش به ودیعه نهاده شده در روایات تا حد بسیار زیادی با دانش عرفی و تجربی آمیخته

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام feghahat.isu@gmail.com

گردیده و این تلقی که احادیث طبی بدون وجود ساختار و نظامی در حوزه‌ی سلامت می‌تواند فارغ از بحث و بررسی و تجربه و آزمون، راه درمان و معالجه را بگشایند، منتفی می‌گردد.

واژگان کلیدی: نظام، نظام‌سازی، فقه، طب، نظام الصحة



مقدمه:

فهم نظام‌مند اصول و مبانی و ابعاد نظری حاکم بر نظام‌سازی فقهی و کشف نظام موضوعات و مسائل موردنیاز حیات تمدنی بشر از منظر اسلامی، مهم‌ترین هدف غایی برای دانش فقه در برهه کنونی از تاریخ تکوّن فقه اسلامی است، زمانی که آن را عصر گذار به تاریخ تمدن نوین اسلامی و تبلور منظومه‌ی معرفتی اسلام در ساختارمندی حیات توحیدی انسان توصیف و تشریح نموده‌اند. امر نظام‌سازی از مسیر دانش فقه و هویت بخشی به روش «کشف نظام» در اندیشه‌ورزی فقهی دارای سوابق و تجاربی توسط برخی اندیشمندان دینی هم‌چون آیت‌الله سید محمدباقر صدر رحمه‌الله‌علیه در کلان موضوعات حکومتی همچون اقتصاد می‌باشد که روش‌ها و الگوهای پردازش آن قابل تسری به دیگر نظامات مرتبط با ابعاد فردی و اجتماعی بشر است. موضوع «سلامت» انسان نیز در کنار دیگر ساحات حیات اجتماعی او همچون فرهنگ و تربیت، اقتصاد و سیاست و ... از مهم‌ترین ابعاد انسانی است که دین نیز توجه وافر به آن نموده و دانش فقه اسلامی نیز منظومه‌ای به هم پیوسته و نظام‌مند از بایسته‌های الزامی را برای آن در خود جای داده است که نیازمند اکتشاف و ارائه می‌باشد (سعدی، ۱۳۹۶: ص ۲). «توجه به این مسئله ضروری‌ست که دانش فقه به مثابه‌ی یکی از علوم دینی، صرفاً نظام و به تعبیر دیگری مکتبی از گزاره‌های کلان و ارزشی که جهت‌دهی ناظر به علم طب خواهد داشت را ارائه می‌دهد، زیرا اساساً شأن و وظیفه‌ی دین ارائه‌ی ساختار و نظام مسائل علمی نیست» (صدر ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۳۶). لذا در بحث از فقه نظام‌الصحة نیز باید به دنبال مبانی و اصول مستخرج از ادله‌ای بود که می‌تواند فقه نظام‌الصحة را برای ما تداعی نماید. وجود این مبانی و اصول نیز حاکی از اهمیت موضوع نظام سلامت از منظر شریعت اسلامی می‌باشد.

آنچه مورد تأکید است، عبارت است از اینکه در این نوشتار روش‌شناسی استخراج فقه نظام‌الصحة و برخی اصول و ابعاد نظری حاکم بر نظام‌الصحة مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و ارکان فقه نظام‌الصحة، طبق روش‌شناسی‌ای که صورت خواهد پذیرفت، ارائه می‌گردد.

## معنای لغوی نظام و سیستم:

واژه سیستم از کلمه یونانی «Systema» مرکب از «Syn» به معنای «با هم» و «Histanai» به معنای «سبب برای» مشتق شده است (بهرنگی، ۱۳۸۲: ص ۱۹۵) و در فارسی معمولاً از واژه‌ی «نظام» به عنوان معادل آن استفاده می‌شود (زورق، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۴۱) به تعبیری دیگر؛ لفظ سیستم از واژه‌ی لاتین «سیستما» به معنای کل، ترکیب یا مجموعه حاصل از ترکیب چند جزء می‌باشد. در زبان فارسی واژه‌ی سیستم به دلیل کثرت استفاده، متداول شده است. واژه‌های سامانه، دستگاه، هیئت تألیف و نظام، معادل‌های فارسی رایج برای واژه‌ی سیستم‌اند (بريجانيان، ۱۳۷۷: ج ۲، ص ۸۷۶).

بر این اساس نظام را می‌توان به مجموعه‌ای از واحدها یا عناصر مرتبط با هم تعریف نمود، که به منظور تأمین اهداف از پیش مشخص شده در ارتباط و تعامل با یکدیگر تعامل می‌کنند (توکلی، ۱۳۸۳: ص ۴۸). عالمان علم لغت‌شناسی در تعریف نظم و نظام گفته‌اند: نظم به معنای تألیف و ایجاد الفت میان چند چیز یا پیوند دادن دانه‌های تسبیح به یکدیگر است و به عبارتی، زمانی که این دانه‌ها به یکدیگر پیوند می‌خورند، نظام می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۰۷: ج ۱۲، ص ۵۷۹). «نَطْمَتُ الْوَلْوُ» بدان معنی است که مرورایدها را در قالب و سیاق خاص و واحدی جمع‌آوری و گردآوری نمودم؛ بنابراین به امری که پیوند و ارتباط مستحکمی میان اعضایش وجود نداشته باشد و طریقه و محور درست و صحیحی نداشته باشد، نظام گفته نمی‌شود (ازهری، ۱۴۱۲: ج ۱۴، ص ۲۸۱).

صاحب‌نظران در تعریف و تبیین مفهوم این واژه، تعاریف متفاوتی ارائه کرده‌اند که اگرچه در هر یک از این معانی، ظرافت‌های بخصوصی وجود داشته، لکن تفاوت چشمگیری با یکدیگر ندارد. در تعریفی دقیق‌تر می‌توان افزود که «سیستم مجموعه‌ای از اجزاء و روابط میان آن‌هاست که توسط ویژگی‌های معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزاء با محیط‌شان یک کل را تشکیل می‌دهند» (رضائیان، ۱۳۷۵: ص ۲۷). تفکر نظام‌مند و سیستمی با پرداختن به جوانب یک مفهوم در یک یا چند رشته، موجب وضوح پیچیدگی‌های آن

مفهوم می‌گردد. با دیدگاهی کلی، ماهیت روابط اجزاء یک کل را بررسی می‌نماید و هر مورد را برحسب شرایط محیطی آن بیان می‌کند. درواقع کل را فراتر از مجموع اجزاء آن می‌داند و به‌گونه‌ای روش آن در تحلیل امور دارای نظم و قاعده است، هر مورد را با توجه به ارتباط آن با هدف می‌سنجد و در بررسی هر مورد، آینده‌ی آن را در نظر دارد و به بازگشت‌ناپذیری زمان، رعایت مکان و ارتباط مداوم با محیط توجه می‌کند. از هم‌جواری عناصر برای تحلیل ساختار به وجود آمده استفاده می‌کند. حالات مجسم موارد و تأثیر پارامترها و جنبه‌های عملی متغیرها را از زمینه‌های پیچیده، نمایان می‌سازد و بالاخره بازدهی نهایی حاصل از ترکیب عامل در شرایط محیطی را پیش‌بینی می‌کند (بهرنگی، ۱۳۸۲: ص ۱۹۴).

درواقع نظام یک ملاک برای امور مختلف و متنوع می‌باشد و به امری اطلاق نمی‌شود تا اینکه دارای رویه و محور درست و صحیح باشد و هم‌چنین زمانی که گفته می‌شود در امرشان نظام وجود ندارد، به این معناست که در آن، هدایت، استقامت و رویه‌ی این درست وجود ندارد (زیبیدی، ۱۳۰۷: ج ۱۷، ص ۶۹۰).

### معنای اصطلاحی نظام:

در باب تبیین معنای اصطلاحی نظام به موارد ذیل اشاره شده است:

برخی از اندیشمندان اسلامی معتقدند آنچه معمولاً در تعریف نظام آورده می‌شود، در حقیقت مجموعه‌ی منظمه است؛ نه نظام. نظام، عامل پیوند است؛ نظام، جریان‌ی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا می‌دهد و آنها را تبیین و تحلیل می‌کند (صفائی حائری، ۱۳۸۹: ص ۱۲۵). به تعبیر دیگر، نظام به معنای مطلق، مجموعه‌ای به هم پیوسته و دارای «مبانی» و «غایات» مخصوص خود است (صدر، ۱۳۷۵: ص ۲۱۰) یا مجموعه‌ی اجزای به هم پیوسته، هماهنگ، مترتب بر هم و هدفمند است که انسان را به غایت آفرینش نزدیک می‌کند (کعبی، ۱۳۹۲).

برخی دیگر در بحث از مفهوم نظام، به مسئله‌ی «نیاز» اشاراتی داشته‌اند، بدین صورت که نظام، مجموعه روابطی است که انسان ایجاد می‌کند تا در بستر آن روابط و علاقات، جریان نیاز و ارضای نیاز شکل و قالب خود را پیدا نماید (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص ۱۱۲). برخی نیز نظام را به دو طیف واقعی و اعتباری تقسیم می‌کنند که در بخش اول برای نظام، به اعتبار هستی شناختی، وجودی ممتاز تصور می‌گردد و در بخش دوم برای نظام، افزون بر عناصر تشکیل دهنده، وجود دیگری تصدیق نمی‌شود (خیری، ۱۳۹۳: ص ۳۸).

بنا بر تعریف‌های ذکر شده از مفهوم نظام، می‌توان گفت اجزای نظام عبارت از ساختار کلی، روابط پیوسته و یکپارچه، عقلانیت و سرعت در جهت هدف و غایت هستند (نبوی، ۱۳۷۵: ص ۱۴). آنچه که از کلیت آراء و نظریات اندیشمندان برداشت می‌شود آن است که در تعریف «نظام دینی» می‌توان از یکسری قوانین اصلی و بنیادین، کلی و تحلیلی حاکم بر منظومه‌ی احکام شریعت یاد کرد که قدرت تجزیه و تحلیل به فقیه را با عبور از سطح روئبایی به عمق می‌دهد. برخی اندیشمندان هم «نظام دینی» را اینگونه تعریف نموده‌اند که اگر این واقعیت است که اسلام، نیازهای انسان را در عرصه‌های گوناگون زندگی او تأمین، مهیا و مدیریت کرده است، باید اعتقاد داشت که این تأمین در قالب یک نظام تدوین شده و هماهنگی و سازواری اندیشه، عقاید، الزامات، احکام، اخلاق و عرفان می‌توانند آن نظام را معرفی کنند (سعدی، ۱۳۹۲: ص ۱۴۵). در واقع نگرش نظام‌مند به دین، یعنی تجزیه و تحلیل گزاره‌های دین برای کشف سازه‌ها و فرآیندها و الگوها در مقیاس تمدن‌سازانه (واسطی، ۱۳۸۳: ص ۱۲۱).

#### ضرورت مسئله‌ی کشف نظام فقهی سلامت:

«بحث گسترده‌ی شریعت و قلمرو دین یکی از مباحث دینی معاصر است که به دغدغه‌های اجتماعی در حکومت دینی پاسخ می‌گوید؛ یعنی پس از تعیین روش صحیح مسئله گسترده شریعت و نیاز بشر به دین، نوبت به تعیین دامنه‌ی دین در عرصه‌ی علوم طبیعی، انسانی و



فلسفی می‌رسد. در این محور مشخص می‌شود که آیا دین به تمام پرسش‌های این حوزه پاسخ می‌دهد و آیا قلمرو دین اسلام حداقلی است یا حداکثری؟» (خسروپناه، ۱۳۸۲: ص ۱۸).

در ادامه بی‌فایده نیست بگوئیم، یکسری آسیب‌های اجتماعی وجود داشته و مبتنی بر دیدگاه‌هایی است که از نسبت متون دینی و تجربه‌ی بشری در حوزه سلامت انسان‌ها با نام طب سخن می‌گوید، و می‌خواهد از بطن متون دینی، نظام جامع طب را استخراج نماید. این دیدگاه مدعی استخراج نظام طبی از متون دینی از ادعاهای کوچک که یک گوشه‌ی کوچکی را متون دینی می‌تواند تأمین کند، تا ادعاهای کلان که تمامی دانش طب در متون دینی آمده است از صفر تا صد را شامل می‌شود. این روش استنباط احکام در حوزه‌ی گزاره‌های طبی (معنای محدود آن: درمان، معنای گسترده‌ی آن: سلامت روان و اخلاق و ...) خود یک روش‌شناسی خاص دارد.

چنانچه مشهود همگان است در سنوات اخیر تعبیری همچون طب اسلامی، طب روایی، طب نبوی و ... در دامنه‌ای گسترده بر سر زبان‌ها افتاده و در بخش‌های نظری و عملکردی از آن استفاده‌های فراوانی صورت پذیرفته است. در این خصوص باید گفت بازگشت به روایات و احادیث در درک عمیق آموزه‌های دین مبین اسلام، رفتار و عملکردی همواره آشنا در حوزه‌ی اندیشه‌ی علمی دینی است. از همان زمان صدر اسلام، نه تنها دانشمندان دینی و عالمان مسلمان برای فهم ژرفای دین به سراغ احادیث می‌رفته‌اند، بلکه حتی برای تدوین و تبویب و تنظیم حیات روزمره و آداب آن برای مردمان، در سطح گسترده‌ای از حدیث و روایت استفاده نموده‌اند.

«آنگاه که سخن از بهره‌برداری از احادیث در یک حوزه‌ی دانشی است، به طبع مبانی و روش‌های استناد به حدیث و استفاده محتوایی از آن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و ضرورت نگاه تخصصی به موضوع مطرح می‌شود. هم آنان که در گذشته به احادیث طبی به عنوان بخشی

از تنظیم زندگی روزمره نگاه می‌کرده‌اند، در بهداشت و درمان به سمت حدیث رفته‌اند و هم امروز که احادیث طبی در سطوح دانشگاهی مطرح می‌شود، ضرورت نگاه تخصصی، خود می‌نماید» (پاکتچی، ۱۳۹۶: ص ۱۳).

لذا بایسته است با استفاده از ادله‌ی سنن طبی و گزاره‌های فقهی طبی، سعی در ارائه‌ی طرحی از فقه نظام الصحه نمود. «باید توجه داشت که کشف نظامات دینی از منابع شرعی به معانی تولید نظریه نیست» (سعدی، ۱۳۹۶: ص ۸)، زیرا در اینجا به دنبال پژوهش در حوزه‌ی فقه النظریات برای تدوین و انسجام یک نظام هستیم که با نوع استنباط در فقه الأحکام فردی متفاوت است.

### اهمیت ارائه‌ی الگوی کشف فقه نظام الصحه:

در دین مبین اسلام، سلامتی بزرگترین نعمت الهی شمرده شده است، بر این اساس باید به موضوع سلامت جسم و روان در دین بیش از پیش پرداخت و نظامی که می‌تواند مجموعه‌ی قواعد و اصول کلی مورد استفاده در مسائل و مصادیق مختلف را ارائه نماید، استخراج نمود. جستجوی روش‌ها و افق‌های نو، به معنای نفی اجتهاد سنتی یا جواهری نیست، بلکه راه ثمربخش نیز بی‌شک از تجربه‌ها و اندوخته‌های پیشینیان آشکار می‌شود. بنابراین با تحفظ بر محکمات موجود در فقه سنتی جواهری، می‌بایست از بازنگری در آنها نیز سود ببریم.

در این بین با توجه به شأنی که دانش فقه در مشروعیت بخشی به موضوعات و احکام مستنبطه از دین دارد، می‌توان اعتبار و تأمین حجیت این نظام را از منظرگاه فقه و با روش‌شناسی‌های نوین و متکامل اجتهاد جواهری به نظاره نشست.

ضرورت پرداختن به سوءبرداشت‌ها از رابطه‌ی دین اسلام و علم طب و اهمیت آن، از آن جهت است که این بحث با سلامت انسان‌ها و به ویژه جامعه‌ی اسلامی گره خورده است.

علاوه بر نبود نظامی استوار در فقه سلامت، استفاده از روایات طبی نیز اغلب توسط کسانی صورت می‌گیرد که تخصصی در فقه و اصول و رجال ندارند؛ بارها دیده شده روایتی مورد استفاده پزشکی قرار می‌گیرد که نه تنها مجعول است دلالت هم ندارد. این افراد برای قطعیت دادن به روش درمانی خود به احادیث استناد می‌کنند. این تحقیق می‌تواند یاری‌کننده پژوهشگرانی باشد که می‌خواهند در حوزه‌ی ارتباط بین نظام فقهی- اصولی و طب مدرن و جدید فعالیت داشته باشند.

در راستای این نگاه روش‌مند و تخصصی قطعاً اگر دانش فقه بتواند الگویی برای تدوین فقه نظام الصحة ارائه دهد، بسیاری از شبهات ناظر به این مسئله که تا به حال، هم در دانشگاه‌ها و هم در حوزه‌های علمیه از اهمیت آن غفلت ورزیده شده، پاسخ داده خواهد شد و توجه دانشمندان و اندیشمندان اسلامی را به خود جلب خواهد کرد.

### مسائل پیش‌روی حوزه ترسیم و طراحی فقه نظام الصحة:

مهم‌ترین سؤال پژوهش پیش‌رو آن است که ظرفیت دانش فقه امامیه در حوزه‌ی ترسیم و طراحی فقه نظام الصحة چیست؟ و اینکه در باب اهمیت پرداختن به نظام سلامت و بخش‌های مرتبط آن با علم فقه، آیا می‌توان در دین بدان به عنوان یک «نظام» معرفتی پرداخت یا خیر؟ اساساً جایگاه دانش اصول فقه در ارائه‌ی الگوی فقه نظام الصحة چه بوده و در استخراج مبانی و اصول یک نظام از احادیث و روایات می‌بایست چه اصول و ضوابطی را بکار گرفت؟

البته پرسش‌های مشابه و مرتبط دیگری در سایر پژوهش‌های این حوزه وجود داشته که عبارت‌اند از اینکه آیا طب در قلمرو دین می‌گنجد؟ منشأ طب کجاست؟ نظر علمای متقدم و معاصر در این باره چیست؟ آیا در قرآن و روایات در این باره مطلبی وجود دارد؟

اعتبار روایات طبّی نقل شده از معصومان علیهم‌السلام چگونه است؟ تا چه اندازه می‌توان به روایات طبّی اعتماد کرد؟ روش صحیح ارزیابی این روایات چیست؟

فرضیه ما این است که این مهم با روش «فقه النظریات» و با استفاده از تراش فقه سنتی جواهری ممکن خواهد بود و دانش فقه امامیه الگوهایی را ارائه می‌کند، که می‌تواند با تغییراتی در حوزه روایات طبّی، کاربرد داشته باشد. لکن آن مسئله‌ای که حائز اهمیت بوده این است که آنجا که بحث از طب و احادیث طبّی می‌شود به خصوص زمانی که بحث و نقاش به حوزه‌ی فقه و فقه الحدیث کشیده می‌شود، بیش از هر زمان دیگر می‌توان دریافت که دانش به ودیعه نهاده شده در روایات به شدت با دانش عرفی و تجربی (پزشکی جدید) در هم تنیده است و این برداشت نادرست که احادیث و روایات طبّی به تنهایی و فارغ از تجربه، آزمون و آزمایش می‌توانند راه درمان را بگشایند و مسیر پزشکی تجربی و آزمایشگاه را سد کنند، منتفی می‌گردد.

متأسفانه با وجود اهمیت مقوله‌ی نظریه‌پردازی و روش‌شناسی متون دینی به منظور ارائه‌ی الگوی جامع کشف نظریه نظام الصحه که از جمله نظامات اسلامی در فقه به شمار می‌رود، آن‌چنان که شایسته است به این موضوع پرداخته نشده و در حوزه‌ی کتب تابحال موردی که مشخصاً و معیناً به بحث مورد نظر پرداخته باشد، یافت نشده، لکن در حوزه‌ی مقالات موارد اندک مواردی بوده که در قسمت منابع و مآخذ ذکر گردیده است. با توجه به وضعیت کنونی شایسته است با الگوگیری از روش «فقه النظریات» و سایر نظامات فقهی به سرانجام رسیده، موضوعات کلان داخل در حوزه دانش فقه امامیه که مرتبط با زیست فردی و اجتماعی انسان هستند را یافت نموده و ساخت‌واره‌ی فقه نظام الصحه را از منابع دینی با کار اجتهادی استخراج نمود.

در حوزه‌ی پژوهش‌های صورت گرفته‌ی مرتبط با این مسئله ذیل پایان‌نامه‌ای با عنوان بررسی حجیت روایات طبّی با تأکید بر شخصی و مکانی بودن آنها نقل شده است که جریان موسوم

به طب اسلامی جریان سرخورده از بحران‌های طب مدرن است و نتیجه کار کارشناسی و اجتهادی فقها نیست.

«اغلب مستندات این جریان در اثبات طب اسلامی اعتبار ندارد. جریان موجود در جامعه که به چاپ و نشر و استفاده از روایات طبی می‌پردازد، ثمره‌ای جز وهن دین ندارد. در اینکه آیا دین به طب ورود پیدا کرده است یا نه دو قول وجود دارد: قول اول طب را علمی تجربی و برآمده از تجربیات اطبا در طول تاریخ می‌داند، اما قول دوم که قول مشهور متکلمین و اطباست و آیات و روایاتی هم در تأیید آن وجود دارد، منشأ طب را وحیانی می‌داند و مدعی است که از فواید بعثت انبیاء تعلیم طب به بشر است و بشر با تجربه خود نمی‌تواند به طب و خواص ادویه دست یابد» (شهگلی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۲).

از جمله آثار مورد استفاده در این پژوهش می‌توان به کتبی «جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبی»، «ابعاد شخصیت و زندگی امام صادق علیه‌السلام»، «مجله علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، شماره ۳۶»، «کتابخانه جامع طب سنتی و اسلامی» و ... اشاره نمود که البته نظرات تکمیلی نیز به آن‌ها افزوده شده است.

#### منطق روشی کشف نظام و تبیین مفهوم نظام‌سازی:

یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌هایی که در دانش فقه می‌بایست به عنوان کاربست پژوهش در مسائل علمی قرار گیرد عبارت است از اینکه احکام اسلامی در ارتباط با یکدیگر، مجموعه‌هایی با روابط عمیق و تشکیل‌دهنده یک نظام منسجم هستند و زمانی که این مجموعه‌ها با هم در نظر گرفته می‌شوند، نظام منسجم و جامعی را می‌سازند که برخورداری از مبانی و غایات منحصر به فرد از جمله ویژگی‌های آن بوده و کشف الگوواره‌ی آن در حیطه‌ی توان و بصورت دقیق از وظایف مجتهد می‌باشد.

از آنجا که راقم سطور این پژوهش، اعتقاد دارد وضع واژه‌ی نظام‌سازی برای مفهوم آن، نوعی وضع تعینی می‌باشد و میزان کاربرد و کثرت استعمال آن، تعیین‌کننده‌ی مفهوم خواهد بود؛ بنابراین پرداختن به آراء و نظریات و دیدگاه‌های اندیشمندان و خبرگان این حوزه‌ی تخصصی می‌تواند به طور صریح و شفاف، معنای حقیقی و دقیق واژه را معین سازد.

لکن توجه به این نکته‌ی مهم که امکان‌سنجی وقوع و رسیدن به نظامات اسلامی در گرو اتکا به منابع دینی همچون قرآن کریم خواهد بود، در راستای تبیین مفهوم نظام‌سازی از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی دام‌ظله‌الوارف در همین راستا و ناظر به مقوله‌ی تحول در علوم انسانی اسلامی فرمودند: «ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی، این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقایق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهم است اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس، بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران - غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند استفاده هم بکنند؛ لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد» (سخنان مقام معظم رهبری حفظه‌الله‌تعالی در جمع بانوان قرآن‌پژوه، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸).

امر نظام‌سازی یک فرآیند «پیچیده»، «زمان‌بر» و «تدریجی» است و اهمیت آن زمانی خود می‌نماید که حکومت‌ها نتوانند نظم جدید را متناسب با مبانی و اصول مستقر نمایند و یا این نظام‌سازی نتواند در عمل کارآمدی از خود نشان دهد، که در آن صورت ورق برخواهد گشت و همه آنچه بدست آمده، از دست خواهد رفت و نظم سابق و یا چیزی شبیه آن بر جامعه حکم‌فرما می‌شود (امینی، ۱۳۹۱). بر این اساس شایسته است طراحی نظامات جامع در مسائل مورد اهمیت از جمله مقوله‌ی صحت و سلامت بر اساس فقه کلان انجام داده شود، تا گامی در جهت تصحیح جریان حرکت سازمانی در این حیطة برداشته شود. در این خصوص لازم است از فقه و مبانی فقهی برای نظام‌سازی استفاده کنیم. اهمیت این موضوع

به حدی است که حضرت امام (ره) در کتاب صحیفه (۲۱) فرموده‌اند: «فقه ثنوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۲۱: ص ۲۸۹).

در این پژوهش ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ی نظام و نظام‌سازی طبق آراء و نظریات صاحب‌نظران این عرصه تبیین و تنقیح می‌گردد.

### تبیین روش کشف نظام در اندیشه‌ورزی فقهی:

ترسیم نظام و نظام‌سازی خصوصاً در حوزه‌ی دانش فقه از موضوعات مورد توجه و با اهمیت در روزگار معاصر است. آنچه که مورد توافق اندیشمندان این حوزه‌ی مطالعاتی بوده، آنست که نظام‌سازی بر اساس مبانی معین و در چارچوب اهداف و ارزش‌ها به وضع قواعد، احکام و نهادهای نظام‌مند با خاستگاه متنوع و مختلف در محیط پیرامونی مشخص می‌پردازد.

درواقع «نظام‌سازی به معنای اکتشاف الگوواره‌های اداره‌ی دانش‌بنیان یک جامعه، می‌تواند ابتناء خود را بر مبانی دانش‌های مختلفی قرار دهد» (سعدی، ۱۳۹۵: ص ۴۳). از آنجا که دانش فقه، قسمت روئین دین و جهت‌دهنده‌ی رفتار فردی و جمعی مسلمان است، این دو خصلت سبب می‌شود که همواره، فقه‌پژوهان در به روز آمدی این دانش بکوشند، و آنچه اسباب انزوا و حاشیه‌نشینی آن را در زندگی فراهم می‌آورد از بین ببرند. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه با تأکید و احیای چند اصل و مبنا در فقه نظام‌ساز شیعی، کوشش نمود تا کارآمدی و پویایی آن را تضمین کن. هرچند که تشکیل حکومت اسلامی، عاملی نیرومند برای به میدان آمدن فقه شیعی در حوزه‌ی نظام‌سازی گردید، لکن آنچه توانست در این به صحنه آمدن، نشاط و کارآمدی آن را حفظ نموده و قوت بخشد، اصول یاد شده است. وی در باب فقه نظام‌ساز شیعی سه اصل را مقصود خویش دانسته‌اند:

الف) فراگیری و جامعیت فقه:

بدان معنا که فقه تمامی عرصه‌های ظاهری زندگی بشر را در بر می‌گیرد و به تعبیر دیگر «تئوری واقعی و کامل اداره‌ی زندگی انسان و اجتماع از گهواره تا گور است».

ب) نگاه حکومتی به فقه:

حکومت را فلسفه عملی تمام فقه دانستن، اصلی است که حضرت امام (ره) مبتکر آن بوده‌اند و بر اساس این اصل، فقه را از انزوای زندگی فردی خارج می‌سازد.

ج) انطباق فقه با تحولات زندگی:

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در جریان ده سال تجربه عملی ساختن فقه شیعی در عرصه‌ی زندگی و حرکت به سمت نظام‌سازی فقهی و دینی در حوزه‌های مختلف، رهنمودهایی دارند که از آن می‌توان به عنوان «تئوری انطباق فقه با تحولات زندگی» یا نظام‌سازی بر اساس دانش فقه یاد کرد. اصولی که مبنای این تئوری است عبارت‌اند از:

- ۱) تأثیر عنصر زمان و مکان در اجتهاد و ناکافی بودن اجتهاد مصطلح در همه‌ی حوزه‌ها؛
- ۲) پویایی فقه؛
- ۳) ضرورت وحدت رویه و عمل؛
- ۴) اختیارات حکومت اسلامی؛
- ۵) پرهیز از جمود در تلقی از اخبار و روایات؛

یکی از مختصات فقه جعفری که در طول تاریخ شیعی، اسلوب صحیح اجتهاد نظام‌ساز بر آن استوار گردید، دارا بودن اسلوب کامل اجتهاد و توانمندی در ناحیه‌ی نظام‌سازی این صنعت بود. این اجتهاد نظام‌ساز از اصول و قواعدی برخوردار بود که به ابزار و افراد وابستگی نداشت، از این‌رو جابجایی افراد و ابزار، در روح و شاکله‌ی پویای آن، تأثیر سلبی



نداشت. مرحوم شهید مطهری<sup>(ره)</sup> در همین راستا می‌فرماید: «در سیستم قانون‌گذاری اسلام پیش‌بینی‌هایی شده که همان پیش‌بینی‌ها، یک تحرک و دینامیسمی در قوانین به وجود آورده است. کشف دینامیسم در قوانین اسلام به شکلی که این کشف از خود اسلام انجام شود، از مهم‌ترین وظایف ماست و بهترین راه حل این مشکل است» (مطهری، ۱۳۸۰: ص ۵۶).

### تأمین حجیت گزاره‌های فقهی طبی:

آن‌طور که مورد توافق فقهای معاصر نیز بوده با تحلیل‌های ارائه شده در متون اصولی از وجوه حجیت اعتباریات در دین، روایات فقهی طبی به دلیل حکایتگری از واقع و شمولیت تحت قضایای خارجی، اساساً حجت نخواهند بود. لیکن در برخی از ادله که حاکی از ارکان اصلی نظام سلامت در اسلام بوده به همراه امارات و مؤیداتی از دیگر اصول مذهب در تأمین حجیت آن وارد شده است و همچنین گزاره‌هایی که خارج از عرصه تجویز و تشخیص امراض است می‌توان با فرض خبر واحد و یا حتی غیر صحیح بون نیز، طبق برخی قواعد فقهی همچون قاعده‌ی «تسامح در ادله سنن» عمل نمود (سعدی، ۱۳۹۶: ص ۶).

باید دقت نمود که این قاعده نفس گزاره را حجت قرار نمی‌دهد بلکه عمل به آن را به عملی دارای ثواب مبدل می‌نماید تا به عنوان یک فعلی که برای جلب رضایت الهی انجام شده است، قرار گیرد. و لذا با توجه به اینکه در مبحث طبابت اساساً به دنبال تدوین رساله عملیه و ثوابیه نیستیم، نمی‌توانیم ادله‌ی تشخیص و تجویز را در این در این قسم جای دهیم، زیرا در آن موضوعات باید مطابقت با واقع احراز شود تا مقصود به کار برنده حاصل شود، نه صرف ایجاد حجیت و کسب ثواب. پس این قاعده صرفاً در سنی به کار برده می‌شود که جنبه‌ی توصیفی داشته باشد درحالی‌که به حوزه‌ی تشخیص امراض و توصیه‌های درمانی وارد نشده است.

لازم به ذکر است پس از ترمیم و تأمین حجیت اصل عمل به ادله‌ی طبی در فقه نظام الصحه و همچنین تفکیک آنها از حیث قابلیت و حجیت عمل به عنوان تکلیف شرعی، باید به تنقیح و چارچوب فهم دقیق و صحیح گزاره‌هایی پرداخت که حجیت آنها قابلیت اثبات را دارا باشد.

### گستره دانش اصول فقه و ظرفیت آن در اعتبارسنجی گزاره‌های فقهی طبی

مسئله‌ی حجیت اخبار آحاد، از قدیمی‌ترین مسائل اصول فقه می‌باشد و در فضای اصول فقه امامیه نیز از دیرباز مطرح بوده است؛ اما این پرسش که اخبار آحاد تا چه حد در محیط بیرونی فقه - مثلاً در طب و سلامت - قابل تمسک‌اند، پرسشی است که در نوشته‌های نظری کمتر بدان پرداخته شده است. یکی از مهم‌ترین موضوعی که می‌توان از تفاوتی بنیادین و اثرگذار میان دو حیطة‌ی فقه و طب سخن گفت، مسئله‌ی حجیت خبر واحد از دانش اصول فقه است. مقصود از خبر واحد، آن خبر یا به طور اخص، حدیثی است که در سلسله سند آن، در یک نسل یا بیشتر، راوی یک نفر یا افراد محدودی باشند؛ خبر واحد اصطلاحی در تقابل با خبر متواتر است که راویان آن در همه‌ی نسل‌ها به اندازه‌ای متعدد هستند که امکان توافق آنان بر کذب وجود ندارد.

با وجود همه‌ی اختلاف نظرهایی که در خصوص اعتبارسنجی اخبار واحد که عمده‌ی گزاره‌های فقهی طبی نیز از این دسته هستند، می‌توان گفت احادیث طبی‌ای که در ضمن مباحثی غیر دینی مطرح شده‌اند با فرض صحت صدور، خاص، موردی و غیر قابل تعمیم به تمام مردم در تمام مکان‌ها و زمان‌ها می‌باشند و نیز ادعای وجود نظام فقه الصحه که همه‌ی مبانی و اصول و راهکارهای درمان را در حال حاضر در خود جای داده باشد، مورد پذیرش نخواهد بود.

درواقع کسانی که صدور احادیث طبی را از معصومین علیهم‌السلام قطعی می‌دانند، دو دیدگاه درباره‌ی حجیت این دسته از احادیث دارند:

الف) و حیانی بودن و حجیت داشتن احادیث طبی

ب) غیر و حیانی بودن و عدم حجیت مطلق احادیث طبی (بستانی، ۱۳۹۶: ص ۱۳۱)

که البته بحث ما در این نوشتار شامل حال تبادل نظر در این خصوص نمی‌شود.

### فرآیند کشف نظام فقه الصحه:

در کشف نظام فقه الصحه می‌بایست دو مرحله را طی نمود که شرح آن در ذیل بیان می‌گردد:

#### مرحله‌ی اول: روبنای نظام

همان‌گونه که بیان گردید روشی که ما باید درباره‌ی نظامات دینی و اسلامی از جمله نظام فقه الصحه از آن بهره ببریم، روش اکتشاف است، یعنی اینکه از روبناهای مذهب و گزاره‌های فقهی طبی که بصورت کلی و در حوزه‌ی سیاست‌گذاری بیان شده به زیربنای آن پی ببریم و از قواعد اساسی مکتب کشف نظام را صورت دهیم. بنابراین در گام اول باید سراغ قواعد روبنایی رفته تا از آن به زیربنا نائل آئیم. این مرحله خود دارای دو حوزه و بخش است:

#### الف) گردآوری احکام و گزاره‌های فقهی طبی

در گام اول باید به جمع احکام و گزاره‌هایی بپردازیم که روبنای مکتب و کلیات حوزه نظام الصحه را از منظر فقه امامیه شکل می‌دهند و چون می‌خواهیم در پی کشف نظام فقه الصحه باشیم، می‌بایست احکام طبی شریعت و گزاره‌های موجود را که به هرگونه‌ای مربوط به حوزه‌ی سلامت انسان اعم از بُعد جسمانی و روحانی می‌شود و رابطه‌ی دانش فقه را با

سلامت بیان می‌دارد و هم‌چنین سایر احکام در این زمینه را گردآوری و جمع‌آوری نمائیم (علی‌اکبری بابوکانی، طباطبائی نژاد، آهنگری، ۱۳۹۵: ص ۹۶).

نکته‌ی قابل توجه اینکه ما در این مسیر صرفاً احکام و گزاره‌هایی را مد نظر قرار می‌دهیم که در شاکله‌ی مذهب، رونمای آن به حساب می‌آید و می‌تواند در فرآیند اکتشاف نظام، سهیم باشد؛ اما احکام دیگری که تأثیری در کشف نظام فقه‌الصحّه ندارد، از بحث ما بیرون خواهد بود. مثلاً بسیاری از نسخه‌هایی که در روایات آمده است، صرفاً به ذکر یک ویژگی از گیاه پرداخته و همه چیز را پیرامون آن نگفته است. داروها دارای ضررهای زیادی هستند که اگر بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی فرد و عوارض آن، مصرف شود، خطرات جبران‌ناپذیری برای بدن دارد و این مطلب وهن دین را به دنبال دارد. به عنوان مثال برای ارتقای سلامت زنان حامله و جبران ضعف حافظه، کندر سفارش شده است؛ اما در روایات به مقدار و عوارض آن و مزاج استفاده‌کننده اشاره نشده است؛ در کتب طبی علاوه بر آوردن همه این نکات به خواص بیشتری برای آن اشاره شده است. مثلاً در عوارض آن گفته شده است؛ اکثر آن محرق خون و بلغم و مصدع محرورین و مورث جنون و جذام و بهق سیاه می‌باشد (عقیلی علوی شیرازی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۶۸۳). ولی از فحوای این روایات صرفاً مقوله و گزاره‌ی «شخصی و مکانی بودن روایات طبی» می‌باشد که جزئی از نظریه‌ی نظام فقه‌الصحّه بوده و در کشف نظام راه‌گشاست و اگر توجه کنیم، خواهیم فهمید که نفس مصرف کندر به منظور درمان برخی بیماری‌های مذکور، زمینه‌ی مکتبی و نظام‌سازی ندارد.

### ب) کاربست مفاهیم در کشف نظام فقه‌الصحّه

مقصود از مفاهیم در حوزه‌ی نظام و کشف نظام، درواقع آراء، نظریات و تفسیرهای دین اسلام از واقعیات عالم خلقت و نیز احکام تشریحی می‌باشد. برای توضیح بیشتر و بیان یکی از مفاهیم موجود در عرصه‌ی نظام فقه‌الصحّه و نقش آن در کشف قواعد اساسی این نظام، می‌توان به مفهومی که از مطالعه‌ی منشأ علم طب، اصول و کلیات حاکم بر آن استخراج

می‌گردد، اشاره داشت؛ و آن عبارت است از و حیانی بودن منشأ علم طب؛ طبق بررسی‌هایی که صورت پذیرفته و مختصر آن در ادامه خواهد آمد، علم طب ریشه در وحی داشته و منشأ آن و حیانی بوده و تجربیات حکما در طول تاریخ به آن افزوده شده است. غالب آراء و نظریات اندیشمندان از متکلمین امامیه و غیر امامیه در این موضوع خلاصه می‌گردد که منشأ علم طب و حیانی است ولی تکامل آن تجربی و بشری بوده است. به اینصورت که انبیاء الهی، اصول سردی و گرمی و صفرا و دم و بلغم را در بین بشر پراکنده‌اند، هم‌چنین به بشر تعلیم داده‌اند که درمان در طبیعت و نباتات و جمادات و حیوانات است، ولی بسط آن و تکامل آن و افزودن ادویه جدید براساس مبانی سردی و گرمی در ادامه‌ی راه برعهده عقل بوده است.

به دنبال بحثی که در خصوص ذکر مصداق به منظور روشن شدن کاربست مفاهیم در سیر کشف نظام فقه الصحه شد، بررسی‌هایی انجام پذیرفته تا ریشه‌ی و حیانی بودن علم طب بر اساس آراء و نظریات اندیشمندان مختلف در مکاتب گوناگون اثبات گردد. مثلاً متکلمینی چون خواجه نصیرالدین طوسی، علامه حلی، محمد جعفر استرآبادی، فیاض لاهیجی، میرسید محمد علوی عاملی، شیخ طوسی، شریف مرتضی، سدید الدین حمصی رازی، ملا مهدی نراقی، سید هاشم حسینی تهرانی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید بن طاووس در بین امامیه به منشأ و حیانی صنایع و علوم خصوصاً طب قائل هستند. دیگر متکلمین معمولاً ورود پیدا نکرده‌اند.

در بین متکلمین غیر امامیه؛ ماتریدی، عبدالملک جوینی، ابوالحسن محمد بن ابوذر یوسف عامری نیشابوری، ناصر خسرو قبادیانی، ابوالحاتم رازی، غزالی، فخرالدین رازی به منشأ و حیانی طب قائل‌اند. در بین اطباء بزرگ نیز اغلب قیاسیون مانند بقراط و جالینوس و بوعلی و عقیلی خراسانی و... به این مطلب قائل هستند. آیات و روایات بسیاری نیز در تأیید این مطلب وجود داشت. همان‌طور که گفتیم برخی از محققین نه تنها منشأ علوم (علوم موردنیاز

بشر) و از جمله طب را، بلکه همه‌ی آن چیزی را که مورد نیاز بشر است - اعم از نیازهای دنیوی و اخروی - برگرفته از انبیاء می‌دانند (شهگلی، ۱۳۹۲: ص ۳۲).

در باب اهمیت بکارگیری مفاهیم در حوزه‌ی کشف نظام باید گفت که بخش مهمی از فرهنگ اسلامی و قرآنی به شمار می‌آیند و می‌توانند در کشف نظام و مکتب به کمک آمده و تأثیر غیر قابل انکاری بر چنین فرآیندی بگذارند (صدر، اقتصادنا: ص ۴۳۹).

حتی فراتر از این، گاهی اهمیت مفاهیم تا این حد است که نقش آن‌ها، پرتوافکنی بر احکام نیز می‌باشد و مجتهد را در جهت فهم صحیح نصوص شرعی مساعدت نموده و مشکلاتی را که در فهم نص وجود دارد، برطرف می‌سازد.

#### مرحله‌ی دوم: کشف زیربنا و نظام

این مرحله که اصطلاحاً از آن به زیربنا و کشف نظام مورد هدف تعبیر می‌گردد، در حقیقت عبارت است از قرآیند عملیات ترکیب احکام و منسق و منظم نمودن آن‌ها در یک سیر به منظور ارائه‌ی طرح کلی و جامع که انتظار آن می‌رفت.

در این مرحله از منطق روشی کشف نظام فقه الصحنه، احکامی که سابقاً گردآوری و جمع‌آوری شده‌اند به صورت یک کل، مورد مطالعه قرار گرفته و بدین ترتیب به کشف نظام و مکتب نائل خواهیم آمد. در واقع به اینصورت خواهد بود که هر مجموعه از احکام در هر زمینه و حوزه‌ای با یکدیگر لحاظ شده و بر اساس حرکت از روبنا به سمت کشف قواعد اساسی و بنیادین نظام می‌رویم. به همین منوال تمامی احکام جمع‌آوری شده مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و در پایان، مجموعه‌ی نظام استنباط گردیده و با روبنا و سطح نظام که سابقاً صحبت آن شد، در ارتباط کامل قرار خواهد گرفت.

روش استنباط از گزاره‌های فقهی طبی:

نظام‌واره یا همان ساخت‌واره‌ی دانش فقه بر اساس نقطه‌ی ابتدای آن یا مبتنی بر احکام امضائی بوده و یا مبتنی بر احکام تأسیسی می‌باشد و این در حالیست که شکل ثالثی برای آن متصور نبوده و مورد دیگری هم در آراء اندیشمندان این حوزه یافت نمی‌شود. در حقیقت نمی‌توان حکمی از احکام را تصور نمود که خارج از دایره‌ی احکام امضائی و تأسیسی بوده باشد. این‌گونه تقسیم‌بندی از احکام، اختصاصی به دانش فقه نداشته و می‌توان چنین تقسیمی را در بسیاری از معاجم قانونی بشر نیز یافت نمود. دلیل این موضوع عبارت است از اینکه برخی ضرورت‌ها و نیازهای زندگی انسان، اقتضا می‌کند که به طور متوالی و مستمر، قوانین و الزامات و دستورالعمل‌هایی برای پاسخگویی و رفع آن نیازها طراحی و تدوین گردد. بر همین اساس امکان منسوخ اعلام کردن تمامی قوانین و قواعد متداول و رایج و از پیش موجود در حیات اجتماعی بشری با ظهور یک مکتب اعتقادی یا سیاسی جدید، وجود نخواهد داشت. فلذا ادیان و مکاتبی که شکل می‌گرفتند، مدعی درانداختن طرحی نو و بدون الهام‌گیری از قوانین گذشته نبودند و آداب و رسوم رایج را که می‌توانست به طور کامل و هماهنگ با آئین مفروض تطابق داشته باشند، امضا و تأیید می‌کردند و آنچه را که نیاز به اصلاح و بازسازی داشت به منظور ترمیم، تصرفی در آن نموده تا به شکل یک نهاد نوین به جامعه عرضه کنند (خراسانی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۶۲).

دانش فقه اسلامی نیز از این سنت رایج و قدیمی مجزاً نبوده، چراکه متوالی هماهنگی و تنظیم دستگاه قوانین و قواعد شریعت و الزامات افعال مکلفین است و نمی‌توانسته نسبت به آنچه در گذشته برای بشر به صورت آداب و رسوم و سنت‌هایی نهادینه شده بوده، چشم‌پوشی کند. به همین جهت، آن بخش از احکام و قوانین که به صورت متداول در عرف یا شرایع پیشینی موجود بوده و در دانش فقه اسلامی نیز به طور کامل پذیرش شده و یا اینکه با جرح و تعدیل، مورد قبول واقع گردیده را احکام امضائی می‌نامند. در غیر اینصورت آن دسته از احکام و دستوراتی که توسط شارع مقدس برای اولین بار بصورت موضوعی تأسیس شده

است را احکام تأسیسی نام نهاده‌اند و اساساً به همین منظور است که احکام امضائی را احکامی گویند که دارای ریشه و زیربنای عقلایی ارتکازی می‌باشد (صدر، ۱۳۹۴: ص ۱۶۸).

با توجه به توضیحاتی که گفته شد، این سؤال پیش آمده که آیا اساساً ادله‌ی نظام فقه الصحنه از جمله ادله‌ی امضایی بوده یا جزء احکام تأسیسی به شمار رفته و شارع مقدس آن‌ها را بنا نهاده است؟

جواب آن است که به وضوح فهمیده می‌شود، قضایا و مسائل مرتبط با مقوله‌ی سلامت انسان، عم از تشخیص، تجویز و درمان امراض و بیماری‌ها و همچنین پیشگیری از ابتلای به آن‌ها از جمله مسائلی بوده که قبل از شریعت اسلامی نیز مورد توجه مردم روزگاران قرار داشته و برای آن‌ها به اندازه‌ی درک و فهم عقلانی و نیز تجربه‌ی بشری، تدابیری صورت گرفته است. در این خصوص آراء و نظریات اندیشمندان دانش فقه به اینصورت است که برخی موضوع مورد بحث را هم‌چون دیگر فروع فقهی و به طور کلی امضا شده از جانب شارع مقدس در نظر گرفته و اصطلاحاً «مُضَاةٌ مِنَ الشَّارِعِ» فرض نموده‌اند، در عین اینکه برخی از موضوعات مرتبط با سلامتی انسان را آمیخته‌ی با تأسیسات شرعی و جزء احکام تأسیسی قلمداد نموده‌اند.

نکته‌ی مورد اهمیت این است که اگر دلیلی دارای شأن و جایگاه تأسیسی باشد، می‌بایست شرایط، قلمرو، گستره و مفاد آن حکم را بصورت جزئی و دقیق از ادله‌ی شرعی دریافت کرد، چراکه عموماً یک حکم ثابت بوده و کمتر در حوزه‌ی اجتهادپذیری وارد می‌شوند. لکن در صورتی که آن حکم امضائی باشد، بر اساس مطالعه‌ی کیفیت و چگونگی اعتقادات مردم و نحوه‌ی اجرای حکم در زمان امضای آن، می‌توان به نتیجه و حصیله‌ی جدیدی در باب شرایط و مفاد آن حکم، دست پیدا کرد. حال اگر در نقاش بین مدعیان طب اسلامی و منکران آن قائل به وجود طب اسلامی به معنای تأسیسی آن باشیم، این بدین معناست که نمی‌توان



در موضوعات مرتبط با صحت سلامت انسان از نظام دستوری شریعت و حوزه‌ی دین خارج شد. برای مثال در روایتی داروی عطش را کاهو دانسته‌اند؛ حال اگر قائل به تأسیسی بودن علم طب از جانب شریعت اسلامی باشیم، نمی‌توان برای رفع عطش از چیز دیگری استفاده نمود و این در حالیست که می‌بینیم هیچ اندیشمندی در حوزه‌ی دانش فقه، تابعال چنین رویکرد و دیدگاهی را ناظر به روایات و ادله‌ی طبی اعم از فقهی و غیر فقهی آن مطرح ننموده است، بنابراین باید چنین نتیجه گرفت که ما در دانش فقه چیزی به عنوان «طب اسلامی» به معنای وجود احکام و دستورات مدون و نظام‌یافته‌ی تأسیسی در حوزه‌ی سلامتی انسان نداریم (سعدی، ۱۳۹۶: ص ۵).

لکن با این وجود می‌توان در تقسیم‌بندی موضوعی، برخی از احکام صادره در خصوص سلامت انسان را در حوزه‌ی تأسیسات شارع و بعضی دیگر از ادله‌ی پزشکی را در حوزه‌ی امضائیات قرار داد. بدین‌گونه که ادله‌ی مربوط به تشخیص و تجویز در حوزه‌ی فقه الصحتة را از موارد امضائی احکام و دستورات شریعت قلمداد نموده و آن دسته از ادله که مربوط به سنن می‌باشد را از منابع تأسیسی شارع مقدس محسوب نمائیم (همان، ۱۳۹۶: ص ۶). حال اگر به منظور درمان و یا پیشگیری بیماری خاصی، الگو و روشی پیشنهاد گردید، این به معنای کنار گذاشتن و غیر جائز بودن استفاده از روش‌ها و کشفیات جدید بشری در عرصه‌ی تحوّل علوم و پیشرفت صنعت پزشکی نخواهد بود. ولی اگر مثلاً توصیه‌ی به خوردن قاووت (قاووت گندم یا جو) در سحرهای ماه رمضان شده باشد (طب الصادق علیه السلام، ۱۳۸۶: ص ۱۴۰) و وجه توصیه‌ی آن نیز به دلیل بهشتی بودن و جلب رحمت باری تعالی بوده باشد و به گونه‌ای عبادت محسوب بشود، در صورت تمام و کمال بودن سند و صدور آن از معصوم علیه السلام دیگر نمی‌توان آن را یک حکم امضائی تلقی نمود، بلکه این جزء احکام و دستورات صادره‌ی شریعت و تأسیسی خواهد بود.

لازم به ذکر است در عصر حاضر، برخی اندیشه‌هایی مطرح گردیده که با رویکردی هم‌چون مسلک اخباری‌گری، سعی می‌کنند تمامی ادله‌ی طبی و گزاره‌های فقهی طبی را در حوزه‌ی

احکام تأسیسی و اصطلاحاً جزء تأسیسات شریعت اسلامی بروز داده و تصور کنند و همانگونه که مثلاً با ادله‌ی باب الصلاة و دیگر فروع فقهی برخورد می‌نمایند، در مواجهه‌ی با ادله‌ی حوزه‌ی طب و سلامت انسان نیز چنین نگرش و رویکردی را ساری و جاری دانسته و به دنبال چنین موضعی، همه‌ی علوم و دستاوردهای بشر امروزی را که در جرگه‌ی ادله و احکام امضائی شریعت قرار داشته و نقش و جایگاه مکمل برای آن‌ها را ایفا می‌کند، منکر می‌شوند. این دیدگاه بر فرض تمام بودن جهت سندی و صدور روایات و عدم وجود مشکل، در صورت ناکارآمدی و عدم اثبات ادله‌ای که مورد ادعای آنان بوده و در مقابل دستاوردهای بشری مطرح گردیده، می‌تواند به صورت بسیار جبران ناپذیری، چهره‌ی شریعت را مخدوش نموده و دستورات دینی را منسوخ شده و متعلق به قرون گذشته و ناکارآمد در عصر حاضر و سایر دوران‌ها جلوه دهد.

#### شبهه‌ی نقصان شریعت (عدم ارائه‌ی علوم موردنیاز بشر توسط دین):

آنچه که سبب بروز برخی نگرانی‌ها گردیده، پیدایش شبهه‌ای است که تا به حال بدان کمتر پرداخته شده و جواب اقناع‌کننده‌ای نداشته است و آن عبارت است از اینکه؛ آیا اگر بر این نظر تأکید داشته باشیم که شارع مقدس، قسمتی از آنچه محل رجوع مردم بوده را به طور کامل و تمام بیان نکرده است و ذیل احکام امضائی، صرفاً به قبول و ردع یا ترمیم آن اقدام نموده، این به معنای نقصان و کاستی دین و شریعت نخواهد بود؟ آیا بر اساس آیات شریفه‌ی قرآن کریم هم‌چون؛ «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (الأنعام: ۳۸) و «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (البقره: ۳۱) و سایر ادله‌ی موجود اینگونه نیست که تمامی آنچه انسان در امر دین و دنیای خود به آن بدان نیاز داشته به او یاد داده شده و خداوند متعال از چیزی فروگذار نکرده است؟ مخصوصاً آنکه جمع‌بندی‌های حاصل از بررسی آراء و نظریات در مورد منشأ علم طب که در فصل دوم مفصلاً ذکر خواهد شد، مشیر بر این است که علم طب، منشأ وحیانی دارد؛ یعنی انبیاء خواص ادویه و مواد مضر و مفید و درمان را به مردمان تعلیم داده‌اند و

همان‌طور که گفتیم برخی از محققین نه تنها منشأ علوم (علوم موردنیاز بشر) و از جمله طب را بلکه همه‌ی آن چیزی را که موردنیاز بشر است، چه نیازهای دنیوی و چه اخروی را برگرفته از تعلیمات انبیاء الهی می‌دانند.

بدین ترتیب ایشان استدلال نموده‌اند که نمی‌توان بخشی از احکام و گزاره‌های طبی را جزء احکام امضائی دانست و برخی را جزء احکام تأسیسی، بلکه آنچه صحیح عبارت است از اینکه شریعت، تأسیساً در حوزه‌ی علم طب ورود پیدا کرده است.

ضمن اینکه فراتر از این پیش رفته و گفته‌اند؛ نه تنها اصول و مبانی و چارچوب علم طب، بلکه تمامی جزئیات و کیفیات علم طب و آنچه متعلق به سلامت انسان است نیز توسط شریعت اسلامی به بشر انتقال یافته و زیاده‌ی بر آن به نوعی تعدی و طغیان انسان بوده و غیر ضروری می‌باشد، فلذا تمامی مظاهر تمدن نوین و صنعت جدید و علوم دستاوردهای برخاسته از آن برگرفته از سرکشی نفس اماره‌ی انسانی بوده و نه تنها هیچگونه مطلوبیتی نداشته، بلکه یک انحراف از مسیر و صراط مستقیم نیز به شمار می‌آید (نصیری، ۱۳۸۷: ص ۶۷).

اما ناظر به پاسخگویی به شبهه و سؤال مد نظر می‌توان به برخی نکات اشاره داشت، به امید اینکه غبار از این شبهه نیز به منظور روشن شدن هرچه بیشتر موضوع بزداید.

#### الف) شأن هدایتگری و راهبری شریعت:

از آنجا که شأن دین و شریعت اسلامی راهبری و هدایتگری بوده و نه تولید علوم محض، می‌توان به قطع بیان داشت؛ هر آنچه که انسان متعالی به جهت رشد، کمال، هدایت و سعادت خویش بدان نیازمند و محتاج بوده، در شریعت الهی به صورت نظام‌واره و مکتب‌واره وارد شده و نظامی شامل مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی آن‌ها را بیان داشته است و این به معنای آن نیست که مسائل موردنیاز انسان، به صورت علم درحالی که حاکی از روابط علی و معلولی

قضایا و پدیده‌های بیرونی هستند، توسط دین عرضه شده باشد (صدر، ۱۴۲۴: ج ۳، ص ۳۶).

اگر قرار بود با نزول شریعت الهی، همه‌ی سنن و دستاوردهای گذشته و آینده‌ی بشر از حجیت ساقط شده و هیچگونه انتفاعی نداشته باشند و صرفاً هر آنچه که بصورت تأسیسی در دین وارد شده، مورد بهره‌برداری قرار گیرد، قطعاً و مسلماً چنین شریعت و دینی، از اساس کارویژه‌ای نداشت و ناکارآمد جلوه می‌نمود، هم‌چنین از جانب مخاطبین و معتقدین خود نیز مورد طرد و نفی قرار می‌گرفت.

#### ب) نظام متشکل از احکام ثابت و متغیر:

از آنجا که نظام دستورات دینی از دو حوزه‌ی دستورات ثابت و متغیر تشکیل گردیده تا بتواند نیازهای زمانه را در اعصار گوناگون پاسخگو باشد، لذا تأکیداً می‌بایست قسمتی از دستورات دینی به صورت انعطاف‌پذیر دارای احکام کلی یا قابل تغییر و تبدیل بر حسب موضوعات جدید و نوین در نظر گرفته شوند.

#### ج) عدم صحّت ادعای شمولیت دین نسبت به جزئیاتِ احتیاجاتِ حیات بشری:

هر چند در کلام بسیاری از متکلمین امامیه و غیر امامیه و سایر اندیشمندان حوزه‌ی دانش فقه آورده شده که منشأ، ریشه و هسته‌ی ابتدایی بسیاری از علوم از جمله علم طبّ، و حیانی می‌باشد، لکن این بدان معنا نیست که تمامی دستاوردهای نوین بشریت در عصر حاضر حجیت نداشته و همه‌ی مسائل موردنیاز انسان در گزاره‌های صادره و به جا مانده از شریعت یافت می‌گردد.

#### د) احتمال تغییر و تحوّل در نصوص برخی روایات بر اثر گذر زمان:

ذکر این نکته ضروری است که بعضی از احادیث و روایاتی که در مورد جامعیت و شمولیت دین و شریعت نسبت به تمامی علوم و مایحتاج حیات بشری ذکر گردیده است، به علت تغییر حروف و کلمات در نسخه‌های مختلف و گوناگون، موجب برداشت‌های متفاوتی از آن‌ها شده که بایستی بدان توجه لازم را مبذول داشت.

به عنوان مثال در نسخه‌ای، روایتی آمده است که: «ابن عیسی عن محمد البرقی عن ابن مهران عن ابن عمیره عن أبي المعزی عن سماعة عن أبي الحسن عليه السلام قال: قلت له كل شيء تقول به في كتاب الله وسنته أو تقولون رأيكم قال بل كل شيء نقوله في كتاب الله وسنته» (مجلسی، ۱۰۷۷: ج ۲، ص ۱۷۳)، اما همین روایت در کتاب کافی با حذف و تعدیل برخی کلمات بدین صورت آورده شده است که: «عن أبي الحسن موسى عليه السلام قال: قلت له أكل شيء في كتاب الله وسنته نبيه ص أو تقولون فيه قال بل كل شيء في كتاب الله وسنته نبيه ص» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۲).

همانگونه که برداشت می‌شود، با توجه به روایت اول در کتاب بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، مقصود این است که هر چه از جانب معصوم عليه السلام صادر شده، منتسب به شریعت بوده و می‌توان مستند آن را در سنت پیامبر گرامی اسلام صلى الله عليه وآله وسلم ملاحظه کرد و این بدان معنا نیست که علوم و معارف متعلق به هر موضوعی در کتاب و سنت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم وجود دارد (سعدی، ۱۳۹۶: ص ۸).

#### نتیجه:

آنچه که می‌توان به عنوان ملخص این نوشتار برون داد، آنست که با استناد به دلایل نقلی و عقلی و با عنایت به چالش‌های عمیق مطرح در عرصه رابطه بین فقه و طب، پذیرفتن این موضوع که بشر به تنهایی و بدون نظارت وحی بتواند به یک نظام و مکتب طب برسد، محل تأمل است. راهی فرای تجربه با تکیه‌ی صرف بر روایات، برای رسیدن به یک معرفت خالص

و حیانی در حیطه‌ی طب و درمان، دور از تحقق است و تنها راه دست یافتن به معرفتی کارآمد از بین احادیث طبی و گزاره‌های فقهی، جستن مسیری برای پیوند دادن آن با دانش تجربی است.

ضمن آنکه باید اشاره نمود؛ در روش‌شناسی کشف فقه نظام الصحة بدون توجه به مبانی دانش اصول فقه و گستره‌ی شریعت و ظرفیت‌های موجود در این دو حوزه نمی‌توان راه به جایی برد.



منابع فارسی

- ۱) امام خمینی (ره)، «مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) (صحیفه نور)»، تهران: انتشارات نوید شاهد، ج ۲۱.
- ۲) بریجانیان، ماری (۱۳۷۷ ش)، «فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی»، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۳) بهرنگی، محمدرضا (۱۳۸۲ ش)، «مدیریت آموزشی و آموزشگاهی»، تهران: نشر کمال تربیت.
- ۴) پاکتچی، احمد (۱۳۹۶ ش)، «جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طبی»، تهران: انتشارات طب سنتی ایران.
- ۵) توکلی، عبدالله (۱۳۸۳ ش)، «اصول و مبانی مدیریت»، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- ۶) خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲ ش)، «گستره شریعت»، دفتر نشر معارف، اول.
- ۷) خیری، حسن (۱۳۹۳ ش)، «مبانی نظام اجتماعی اسلام»، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.
- ۸) رضائیان، علی (۱۳۷۵ ش)، «تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم»، تهران: سمت.
- ۹) زورق، محمدحسن (۱۳۸۶ ش)، «ارتباطات و آگاهی (مفاهیم، مبانی و روش‌ها)»، تهران: انتشارات دانشکده صدا و سیما.
- ۱۰) صفائی حائری، علی (۱۳۸۹ ش)، «دین و نظام‌سازی»، قم: انتشارات لیلة القدر.

## منابع عربی

- ۱) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۷ ق)، «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
- ۲) ازهری، محمد بن احمد (۱۴۱۲ ق)، «تهذیب اللغة»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ج ۱۴.
- ۳) زبیدی، محمد بن محمد (۱۳۰۷ ش)، «تاج العروس»، بیروت: دارالفکر.
- ۴) صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۷۵ ش)، «اقتصادنا»، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، کتاب الأول.
- ۵) صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۲۴ ق)، «اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر)»، قم: مرکز الأبحاث والدراسات التخصصیة للشهید الصدر.

## مقالات:

- ۱) بستانی، قاسم (۱۳۹۶ ش)، «احادیث طیبی، منشأ، حجیت و گونه شناسی»، مجموعه مقالات جستارهایی در اعتبارسنجی و فهم روایات طیبی.
- ۲) پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۱ ش)، «نظام سازی مبتنی بر مردم سالاری دینی»، ماهنامه فرهنگی - تحلیل سوره اندیشه، شماره ۵۶ - ۵۷.
- ۳) خراسانی، محمود بن عبد السلام تربتی شهابی (۱۴۱۷ ش)، «ادوار فقه، تهران»: سازمان چاپ و انتشارات، ج ۳.
- ۴) سعدی، حسینعلی (۱۳۹۲ ش)، «فقه رسانه»، مجموعه مقالات رسانه و دین، انتشارات پژوهشگاه فرهنگی و علوم انسانی.
- ۵) سعدی، حسینعلی (۱۳۹۶ ش)، «درآمدی بر فقه النظام الصحه»، مجموعه مقالات جستارهایی در مناسبات اسلام و طب.



- ۶) شهگلی، امیرحسین (۱۳۹۲ ش)، «بررسی حجیت روایات طبی با تأکید بر شخصی و مکانی بودن آن‌ها»، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- ۷) عقیلی علوی شیرازی، سید محمد حسین بن محمد هادی (۱۳۹۰ ش)، «مخزن الادویه»، تهران: دانشگاه علوم پزشکی، دوم.
- ۸) علی اکبری بابوکانی، احسان؛ طباطبائی نژاد، محمدصادق؛ آهنگری، احسان (۱۳۹۵ ش)، «بازی‌پژوهی امکان و حجیت نظام‌سازی در فقه با تأکید بر نگره‌ی شهید صدر»، نشریه فقه و اصول (علمی - پژوهشی/ISC)، شماره ۱۰۷.
- ۹) نبوی، سیدعباس (۱۳۷۵ ش)، «فقه، زمان و نظام‌سازی»، نشریه کیهان اندیشه، شماره ۶۷.
- ۱۰) واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۳ ش)، «نگرش سیستمی به دین»، مجله کتاب نقد، شماره ۳۳.

## سخنرانی و سایت‌ها:

- ۱) امینی، پرویز (۱۳۹۱ ش)، «قدرت نظام‌سازی؛ شاخص تحول در علوم انسانی»، وب‌سایت الف (جامعه خبری تحلیلی)، قابل دسترسی در آدرس زیر:  
<http://www.ghatreh.com/news/nn9732637/>
- ۲) سخنان مقام معظم رهبری حفظه‌الله‌تعالی در جمع بانوان قرآن‌پژوه، حسینیه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.
- ۳) کعبی، عباس (۱۳۹۲ ش)، «نظام‌سازی از منظر حقوق عمومی»، سخنرانی در همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی، قابل دسترسی در آدرس:  
<http://rc.basijisu.ir/fa>

**Abstract:**

Islamic jurisprudential system and the discovery of the system of issues and issues needed for the life of civilization from the Islamic point of view, the most important goal for jurisprudence is at this point in time from the history of Islamic jurisprudence.

Considering the combination of credit and real perceptions in the jurisprudence of the health system, the methodology of the discovery of the jurisprudence of theories and jurisprudence of the system and its main components, such as generalizations and concepts in relation to the production of the publication, the empowerment of the system, as well as some of the principles and dimensions of the theoretical governing the system and In particular, the health system will be examined from the point of view of Islamic jurisprudence.

Addressing the issue of systematization in different areas of human life, including the health issue, means, in our sense, in some ways, one of the reasons for the need to address this is the needs of our age. An idea in the field of science and practice will succeed in systematizing it, in order to solve it in a different way and not be surprised.

As emphasized by scholars and scholars of Shi'a, when the discussion of medical hadith goes to the field of jurisprudence and jurisprudence of Al-Hadith, it can be understood more than ever that the knowledge of the deposit in the narratives is largely knowledgeable Customary and experimental, and the notion that medical hadiths without the existence of a structure and military in the field of health can be discouraged from discussing, examining, experimenting, accessing treatment, and treatment.

**Keywords:** system, Systematization, Jurisprudence, medicine, health system.